

«تخصص‌گرایی نرم»

در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش

غلامحسین حسین‌زاده یوسفی

بخش دوم

تخلیله

کلیدواژه‌ها: سند ملی، سند تحول، برنامه توسعه پنجم، برنامه درسی ملی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تخصص‌گرایی نرم

به‌طور کلی نظام تربیت رسمی و عمومی: به دنبال شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه سالم و دانایی‌محور؛ براساس نظام معیار (دینی/ ربوبی)؛ به قصد دست‌یابی به غایت زندگی مطلوب (حیات طیبه)؛ و صیانت از وحدت ملی و انسجام اجتماعی؛ برای رسیدن به ایرانی توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه؛ به منظور حفظ، تقویت، تحکیم و تثبیت هویت مشترک، تکوین تمدن و استمرار فرهنگی اسلامی- ایرانی؛ و زمینه‌سازی جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی) است و

سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی در افق چشم‌انداز بیست‌ساله کشور: این سند مجموعه‌ای است در بردارنده مؤلفه‌های بنیادین ارزش‌ها (مبانی نظری و اصول)، مأموریت‌ها، چالش‌ها، چشم‌انداز، هدف‌های کلان، هدف‌های عملیاتی، راهبردهای اصلی و فرعی (راهکارها) و شاخص‌های معرف چگونگی تحقق هدف‌ها، که به عنوان پایه، ملاک و راهنمای تصمیم‌گیری‌های اساسی برای هدایت، راهبری، نظارت و استقرار نظام تربیت رسمی و عمومی کشور در سطح ملی، به منظور تحقق تحولات محتوایی و ساختاری مورد استناد و استفاده قرار می‌گیرد.

[۱]



برای تحقق چنین نظامی چهارچوب‌های راهنمای ذیل اندیشیده شده است:

ترسیم نقشه شناختی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در چارچوب نظام تربیت رسمی و عمومی

نقشه‌شناختی^۱ برای شناخت، توصیف و مدل‌سازی نظام‌های پیچیده به کار برده می‌شود و یکی از رویکردهای روش‌شناسی محاسبات نرم^۲ است (Styios and Groumpos, ۲۰۰۴). نقشه شناختی فرایندی است که در آن شبکه‌ای از مؤلفه‌ها و روابط یک پدیده پیچیده به صورت نقشه یا نمودار نشان داده می‌شود و به صورت یک مدل کیفی می‌تواند نشان دهد که چگونه یک سیستم عمل می‌کند (Ozesmi and Ozesmi, ۲۰۰۴). در حقیقت، با نقشه شناختی اطلاعات یک سیستم پیچیده ساده‌سازی می‌شود و به یک نقشه دانش^۳ تقلیل می‌یابد و این نقشه به صورت یک چشم‌انداز به نمایش درمی‌آید (Farasatkah ۲۰۰۶) [۸]. در ذیل بخشی از محتوای سند تحول راهبردی را، که برای ترسیم نقشه شناختی مورد استفاده قرار گرفته است، با هم مرور می‌کنیم:

به‌طور کلی نظام تربیت رسمی و عمومی بر ارزش‌های زیر استوار است:

جریان تربیت، در تمام ساحت‌های شش‌گانه تربیت (شامل تربیت دینی و اخلاقی، تربیت سیاسی و اجتماعی، تربیت زیستی و بدنی، تربیت هنری و زیبا شناختی، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای،

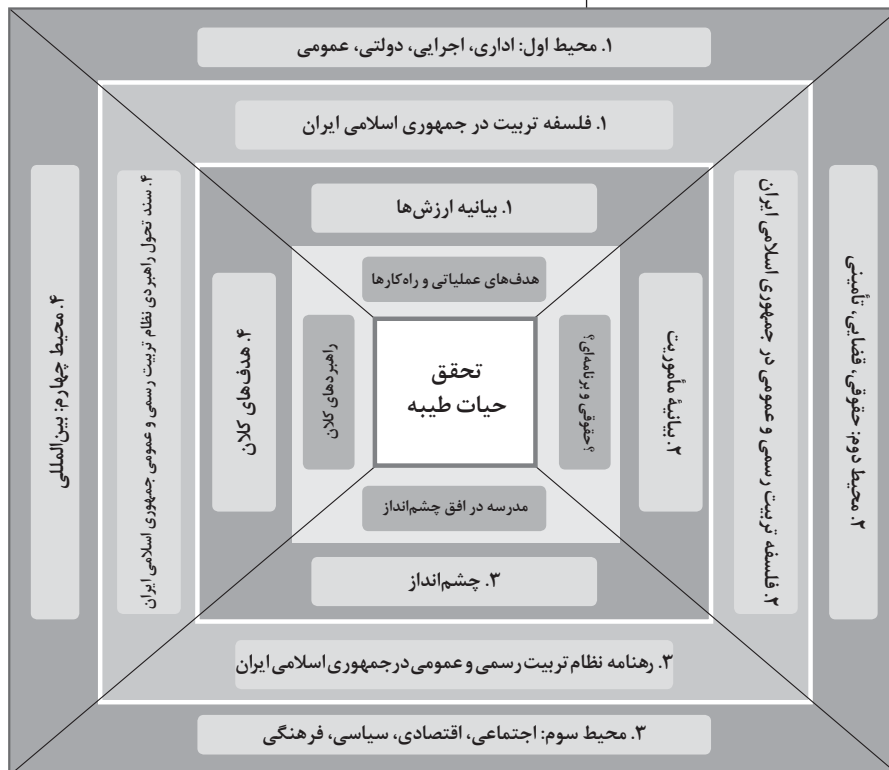
تربیت علمی و فناوری) بر نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزش‌های برگرفته از قرآن و سنت معصومین (ع) و یا سازگار با آن‌ها) منطبق است و تربیت دینی و اخلاقی در آن محوریت دارد.

تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ ناظر به آماده‌سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شأن اقتصادی و حرفه‌ای حیات طیبه؛

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در آموزش و پرورش اصالت ندارد اما موضوعیت دارد. از این جهت اصالت ندارد که این سطح از آموزش (شامل متوسطه) نباید پاسخ‌گوی این بخش از نیازهای جامعه باشد. و از آن حیث موضوعیت دارد که علائق فنی و حرفه‌ای بخش انکارناپذیری از علائق متربیان است و تعلیم و تربیت حقیقی نمی‌تواند نسبت به آن‌ها پاسخ‌گو نباشد

حیات طیبه

حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، براساس نظام معیار ربوبی است که تحقق آن موجب دستیابی به غایت زندگی یعنی قرب عندالله خواهد شد. البته حیات طیبه امری صرفاً اخروی نیست (که تنها در عالم آخرت و پس از مرگ محقق



شکل ۱. چارچوب‌های راهنما در سند تحول راهبردی



گردد) بلکه در حقیقت حاصل ارتقا و استعلای حیات طبیعی و متعارف آدمی در همین دنیا، با صبغه الهی بخشیدن به آن است که با پذیرش حاکمیت نظام معیار دینی (مبانی و ارزش‌های مقبول دین اسلام) بر ابعاد فردی و اجتماعی زندگی آدمی و تمام شئون مختلف آن، جلوه‌ای از آن (در همین دنیای فانی و محدود) قابل تحقق‌اند و در نتیجه به شکوفایی فطرت و رشد همه‌جانبه و متعادل استعدادهای طبیعی و شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه‌ای سالم براساس نظام معیار دینی در مسیر قرب الی الله منجر می‌شود.

هدف‌های کلان

تربیت انسانی مؤمن و متخلق به اخلاق اسلامی، پرسشگر و فکور، خلاق و کارآفرین، سالم و با نشاط، انتخاب‌گر و آزادمنش، قانون‌گرا و نظم‌پذیر، عدالت‌خواه و صلح‌جو، وطن‌دوست، استقلال‌طلب و ظلم‌ستیز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، خودباور و مقتصد، امیدوار و منتظر، دانا و توانا، شجاع و ایثارگر، پاکدامن و باحیا، مسئولیت‌پذیر و وظیفه‌شناس (شایستگی‌های پایه در ساحت‌های شش‌گانه تربیت) و آماده ورود به انواع تربیت تخصصی و شغلی برای زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی.

هدف ۲۲. مدرسه، کانون تربیت رسمی و عمومی و محل کسب فرصت‌های تربیتی برای دست‌یابی به مرتبه قابل قبولی از حیات طیبه و تشکیل جامعه سالم اسلامی است.

راهکار ۱/۸- توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای، اقتصادی و کارآفرینی در متریبان با تأکید بر استفاده از مراکز آموزش خارج از مدرسه.

هدف ۲۴- کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی که زمینه‌ساز کار مولد است و تقویت روحیه کارآفرینی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

● آموزش فنی و حرفه‌ای عام: منظور نوعی از آموزش فنی و حرفه‌ای است که در آن، براساس رویکرد تخصص‌گرایی نرم، دانش‌آموزان می‌توانند شایستگی‌های لازم را برای ورود به یک حرفه (و نه یک شغل تخصصی) در دوره متوسطه کسب نمایند.

● شایستگی‌ها: منظور از شایستگی‌ها مجموعه‌ای ترکیبی از صفات و توانمندی‌های فردی و جمعی ناظر به همه جنبه‌های هویت (عقلانی، عاطفی، ارادی و عملی) و نیز تمام مؤلفه‌های جامعه سالم براساس نظام معیار اسلامی است، که متریبان برای دست‌یابی به مراتب حیات طیبه در جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل فردی و جمعی برای بهبود مستمر آن، باید این‌گونه صفات و توانمندی‌ها را «کسب» کنند.

● شایستگی‌های پایه: آن دسته از صفات و توانمندی‌ها هستند که متریبان باید آن‌ها را برای وصول به مرتبه‌ای لازم یا شایسته از آمادگی عموم افراد جامعه برای تحقق حیات طیبه کسب کنند؛

● **شایستگی‌های ویژه:** آن گروه از صفات و توانمندی‌هاست که در سطحی بالاتر از سطح مورد انتظار از آمادگی همگان جهت تحقق حیات طیبه است و افراد برحسب علاقه و استعداد فعلیت یافته خود و نیازهای خاص جامعه آن‌ها را «کسب» می‌کنند. راهکار ۱۷/۱- بهینه‌سازی سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش و سایر عوامل سهیم و مؤثر در خصوص تربیت فنی و حرفه‌ای و کاردانش در چارچوب هدف‌های تربیت رسمی و عمومی و هم‌سو با رویکرد «تخصص‌گرایی نرم».

این ساخت و پرداخت ویژه، از نظر ایجابی با کسب «آمادگی مقدماتی» برای ورود به شغل یا حرفه سازگار است. شاید «آموزش‌های عام» یا «خوشه‌ای» فنی و حرفه‌ای را بتوان در این چارچوب قابل قبول ارزیابی کرد

● **رویکرد تخصص‌گرایی نرم:** در برنامه درسی دوره متوسطه، رویکرد «گرایش تخصصی نرم» (soft specialization) از شکل‌گیری «افتراق برنامه‌ای» (curriculum differentiation) یا ایجاد شاخه‌های تحصیلی تخصصی (tracking) به صورت از پیش طراحی شده جلوگیری می‌کند. چنین جهت‌گیری در برنامه درسی دوره متوسطه موجب می‌شود که انتخاب رشته (شاخه) تحصیلی و قرار گرفتن دانش‌آموز در یک مسیر بیش و کم ثابت اتفاق نیفتد و دانش‌آموزان متناسب با شرایط و توانمندی‌های فردی و عوامل تأثیرگذار محیطی (خصوصاً ضوابط ورود به رشته‌های مختلف تحصیلی در آموزش عالی با تقاضای مشاغل مختلف مورد علاقه فرد) از میان مجموعه دروس متنوع ارائه شده (در مدرسه محل اصلی تحصیل یا آموزشگاه‌های اقماری) دست به انتخاب زند و به آزادانه‌ترین شکل در ایجاد هماهنگی میان برنامه درسی با استعدادها و علائق خود تلاش کند.

راهکار ۲۲/۱- اصلاح ساختار دوره‌های آموزشی، شامل شش سال ابتدایی و شش سال متوسطه متشکل از دوره اول و دوم (هر کدام سه سال)

● **برنامه درسی:** به مجموعه فرصت‌های تربیتی نظام‌مند و طرح‌ریزی شده (از سطح ملی، منطقه‌ای و محلی تا مدرسه و کلاس درس با طیف مخاطبان بسیار گسترده و فراگیر تا بسیار محدود) و نتایج مترتب بر آن‌ها اطلاق می‌شود که متریبان برای کسب شایستگی‌های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت در معرض آن‌ها قرار می‌گیرند تا با تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش مرتبه قابل قبولی از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد را به دست آورند.



شغلی و تحصیلی برای آینده خود متصورند) تعریف و طراحی می‌شوند تا امکان انتخاب از میان اشکال و انواع وجود داشته باشد.

● بخش غیرتجویزی (اختیاری) برنامه درسی

(elective): برخی از حوزه‌ها یا فعالیت‌های یادگیری در برنامه درسی است که کاملاً تحت تأثیر موقعیت‌های خاص زمانی، مکانی و انسانی اختصاصاً برای پرورش «هویت(های) اختصاصی» کاربرد دارد. از ویژگی‌های آن دامنه تنوع حداکثری یا وضعیت‌های نامحدود است. این بخش شامل انواع برنامه‌های فوق برنامه، مکمل و اوقات فراغت می‌شود.

راهکار ۲/۵- توسعه تعاملات نظام تربیت رسمی و عمومی

با جامعه و سایر دستگاه‌ها و نهادها از طریق گسترش ساختار



راهکار ۲/۲- فراهم نمودن زمینه انعطاف در برنامه درسی مدارس و تبدیل آن به یک ابزار رقابتی در ارائه خدمات آموزشی و تربیتی؛

راهکار ۱۰/۱- اهتمام به تعمیم و توسعه «آموزش فراگیر» و ایجاد تنوع در فرصت‌های تربیتی این مراکز برای پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع متربیان به‌ویژه دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه (جز در موارد خاص و ضروری)؛

راهکار ۱۰/۲- انطباق برنامه‌های درسی با نیازها و علائق متربیان، در چارچوب ساختار سه‌وجهی برنامه درسی و به‌کارگیری شیوه‌های اجرایی متناسب با هر یک؛

راهکار ۲/۴- نهادینه‌سازی مؤلفه‌های انتخابی (نیمه تجویزی) و اختیاری (غیرتجویزی) برنامه درسی در سطوح مختلف تحصیلی با جلب مشارکت نهادها و مؤسسات سهیم و مؤثر در جریان تربیت رسمی و عمومی.

ساختار تلفیقی و مسئله‌محور برنامه درسی: به برنامه درسی تجویزی یا الزامی گفته می‌شود که با استفاده از رویکرد حل مسئله یا قالب حل مسئله، در تدوین هدف‌ها از انعطاف و در یادگیری از عمق و غنای بیشتر برخوردار می‌شود

● ساختار سه‌وجهی برنامه درسی: منظور، ساختار کلان

برنامه درسی است که ضمن برخورداری از بخش تجویزی یا الزامی (تک‌وضعیتی و تعیین تکلیف شده به شکل پیشینی)، از بخش نیمه تجویزی یا انتخابی (چند وضعیت) و غیر تجویزی یا اختیاری (بی‌وضعیتی یا باز) نیز برخوردار خواهد بود. این ساختار، مثالی ثابت است ولی در ارتباط با هر یک از مراحل تحصیلی با توجه به متغیرهای ذی‌مدخل به شکل متناسب، عملیاتی می‌شود.

● بخش تجویزی (الزامی) برنامه درسی (core):

بخشی از برنامه درسی است که برای پرورش «هویت مشترک» دانش‌آموزان کاربرد دارد. این بخش باید به صورت تک‌وضعیتی (uniform) تعریف شود و ناظر به قابلیت‌ها یا شایستگی‌های ثابت باشد و بالآخره آماده‌سازی برای حرفه به صورت عام (در قالب شایستگی‌های اساسی و عمدتاً شناختی و نگرشی و نه مهارتی) در این بخش اتفاق افتد. این بخش یکی از فقرات core است.

● بخش نیمه تجویزی (انتخابی) برنامه درسی (core/

elective): بخشی از برنامه درسی است که علاوه بر کمک به پرورش «هویت مشترک» دانش‌آموزان، پرورش «هویت اختصاصی» انسان را نیز در کانون توجه قرار می‌دهد و به صورت چند وضعیت (یعنی متناسب با وضعیت‌های گوناگونی که دانش‌آموزان از نظر

تلفیقی و مسئله‌محور در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی.

● **ساختار تلفیقی و مسئله‌محور برنامه درسی:** به برنامه درسی تجویزی یا الزامی گفته می‌شود که با استفاده از رویکرد حل مسئله یا قالب حل مسئله، در تدوین هدف‌ها از انعطاف و در یادگیری از عمق و غنای بیشتر برخوردار می‌شود.

راهکار ۹/۲ - بومی‌سازی و اجرای برنامه «آموزش برای

همه»

● **آموزش برای همه:** برنامه آموزش برای همه. یکی از برنامه‌های جهانی توسعه بخش آموزش و پرورش است که در سال ۲۰۰۰ میلادی در مجمع جهانی آموزش در شهر داکا کشور سنگال مورد تعهد ۱۶۴ کشور عضو سازمان یونسکو قرار گرفته است. اکنون

این برنامه جزء اصلی‌ترین فعالیت‌های یونسکو در حوزه آموزش محسوب می‌شود. این برنامه از ۶ آرمان و ۴ گروه هدف تشکیل شده است. آرمان‌ها عبارت‌اند از: توسعه آموزش‌های پیش‌دبستان، کامل شدن پوشش تحصیلی دوره ابتدایی، افزایش ۵۰ درصدی فعالیت‌های سوادآموزی، رفع نابرابری‌های جنسیتی، آموزش مهارت‌های زندگی و ارتقای کیفیت آموزش. گروه‌های هدف عبارت‌اند از: کودکان پیش از دبستان، جمعیت لازم‌التعلیم آموزش پایه، کودکان خارج از مدرسه و بزرگسالان بی‌سواد. این برنامه از سال ۲۰۰۰ آغاز شده است و تا سال ۲۰۱۵ ادامه خواهد یافت.

راهکار ۲۷/۲ - تقویت انگیزه و مهارت حرفه‌ای برای یادگیری

مداوم.

راهکار ۹/۷ - طراحی و استقرار نظام توزیع بهینه و

عادلانۀ منابع انسانی، مالی، رشته‌های تحصیلی، مدارس براساس مطالعات آمایش سرزمین؛

چالش ۱۹ - الزامات آمایش سرزمینی، تحولات جمعیتی و هرم سنی دانش‌آموزان و تصلب در سیاست‌ها و ساختارهای آموزشی:

تحولات سرزمینی کشور که بر اثر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیش می‌آید و تحولات جمعیتی، ناشی از جابه‌جایی جمعیت و تغییر ساختار سنی و جنسیتی آن، ایجاب می‌کند سیاست‌ها، فرایندهای اجرایی و ساختارهای اجرایی و آموزشی از انعطاف کافی برخوردار باشند. آماده‌سازی نظام متمرکز و صلب موجود برای پاسخ‌گویی به چنین نیازی از چالش‌های پیش رو به‌شمار می‌آید.

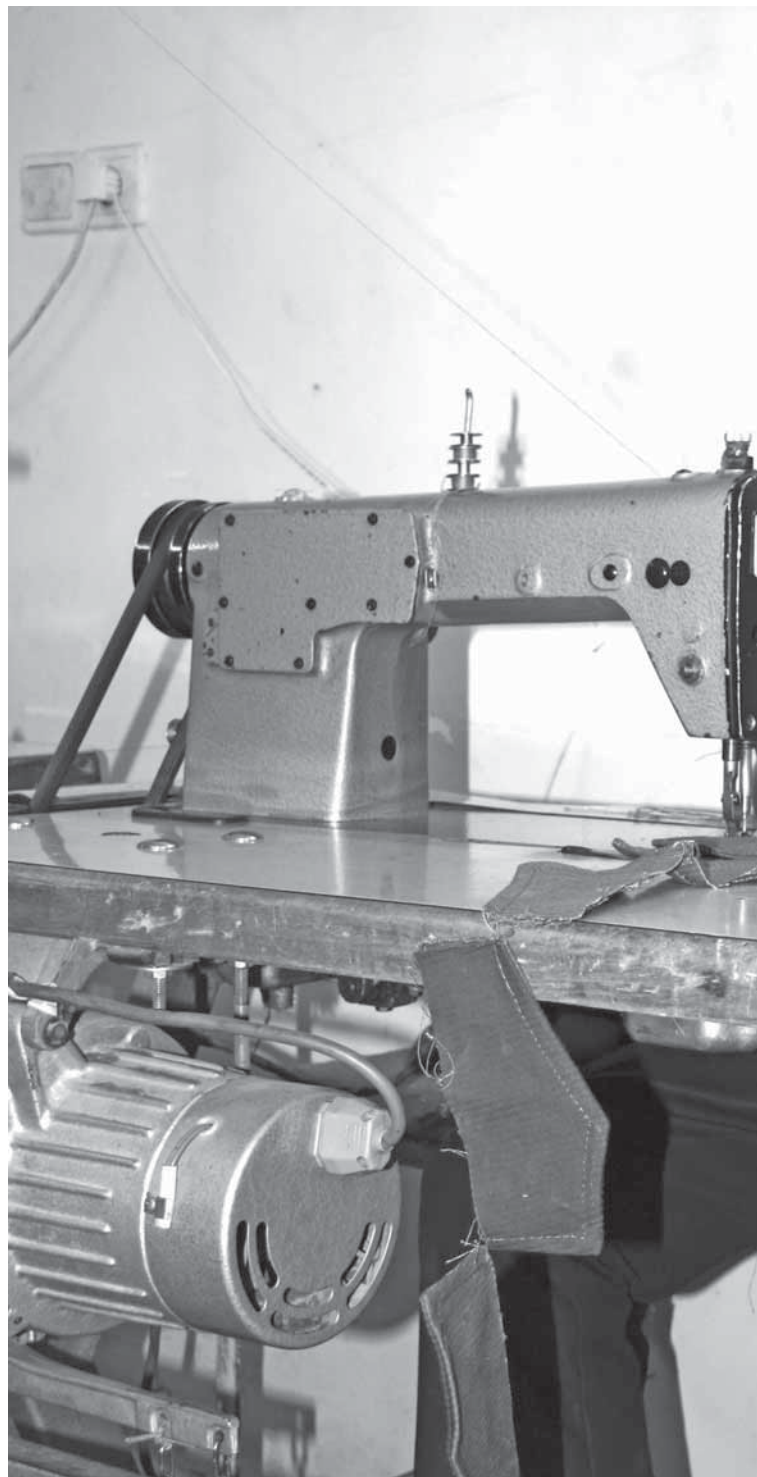
راهکار ۱۸/۱ - بسترسازی، رفع موانع و ارتقای ظرفیت‌های حرفه‌ای منابع انسانی و فراهم آوردن شرایط برای ایفای نقش مؤثر شورای استان‌ها و مناطق متناسب با مأموریت‌ها و وظایف جدید؛

چالش ۱۶ - تقابل رویکرد عرضه مدار حاکم بر وضعیت موجود با رویکرد متوازن عرضه و تقاضامدار؛

نظام آموزش و پرورش موجود، در همه جنبه‌ها از رویکرد عرضه‌مدار، به مفهوم تمرکز صرف بر ارائه خدمات آموزشی پیروی می‌کند. در حالی که اصول حاکم بر اقتصاد آموزش ایجاب می‌کند در افق چشم‌انداز، متناسب با سیاست‌های کلی سند چشم‌انداز، رویکرد تقاضامدار، به مفهوم توجه به طرف تقاضا در بازار خدمات آموزشی (و به یک تعبیر مشتری‌مداری و مدیریت تقاضا برای آموزش)، توأم با عرضه‌مداری نیز مورد تأکید قرار گیرد. یکی از چالش‌های راهبردی پیش روی نظام تربیت رسمی و عمومی، فراهم آوردن زمینه‌این تغییر دیدگاه است.

اقتضانات تخصص‌گرایی نرم چیست؟

● تخصص‌گرایی نرم، تشعب (tracking) را در برنامه درسی دبیرستان، که مظهر تعیین تکلیف پیشینی و لاجرم غیرپاسخ‌گو به



طیف گسترده علائق و نیازها و در نتیجه تحدیدکننده افق تربیتی دانش‌آموزان است بر نمی‌تابد. طبق مبانی نظری مورد توجه نگارنده، تربیت با فعالیت مرتبی همراه است.

● ساخت و پرداخت ویژه و شخصی مسیر تحصیلی (همان track) توسط دانش‌آموز و با رعایت یک قاعده و اصل که همانا اصل معنادار بودن ترکیب پیشنهادی دروس مورد تقاضای دانش‌آموز است اتفاق می‌افتد. مشاوران کارآموده برای احراز این معناداری بهترین مرجع‌اند: ترکیب‌های معناداری مانند ریاضی + تجربی، ریاضی + هنر + تاریخ، علوم تجربی + فنی و حرفه‌ای + ادبیات فارسی + ریاضی، علوم انسانی + فنی و حرفه‌ای و... آیا منطقاً نمی‌توان تصور نمود این ترکیب‌ها معنادارند و لذا مجاز شمرده شوند؟ و اگر پاسخ مثبت است آیا منطقاً می‌توان تمام شقوق ممکن را پیش‌بینی و از قبل سازماندهی نمود؟ البته ماندن در یک رشته مانند ریاضی هم می‌تواند جزء «انتخاب‌ها» باشد.

● در این ساخت و پرداخت ویژه، مسیر تحصیلی گرایش فنی و حرفه‌ای می‌تواند مورد تأکید قرار گیرد و علائق و استعدادها شکوفا شوند، اما تا آنجا که نظام تربیتی دارای صبغه عمومی و کارکرد غیر تخصصی باشد، می‌تواند آن را مجاز و مشروع بداند و این خصیصه جوهری نظام را مخدوش و استحاله نکند و البته تدارک آن هم برای نظام آموزشی مقدور و میسر باشد.

● این ساخت و پرداخت ویژه، از نظر سلبی تعقیب‌گرایش‌های فنی و حرفه‌ای را تا جایی که تربیت نهایی شغلی را دربر بگیرد (آنچه در کار دانش اتفاق می‌افتد) نمی‌پذیرد، چون با مبنای تربیت عمومی ناسازگار است.

شایستگی‌های ویژه: آن گروه از صفات و توانمندی‌هاست که در سطحی بالاتر از سطح مورد انتظار از آمادگی همگان جهت تحقق حیات طیبه است و افراد بر حسب علاقه و استعداد فعلیت یافته خود و نیازهای خاص جامعه آن‌ها را «کسب» می‌کنند

● این ساخت و پرداخت ویژه، از نظر ایجابی با کسب «آمادگی مقدماتی» برای ورود به شغل یا حرفه سازگار است. شاید «آموزش‌های عام» یا «خوشه‌ای» فنی و حرفه‌ای را بتوان در این چارچوب قابل قبول ارزیابی کرد.

● برای رعایت روح گریز از تشعب (tracking) از یک‌سو و تن دادن به تعریف پیشینی در قالب رشته‌های عام یا خوشه‌ای فنی و حرفه‌ای از سوی دیگر، می‌توان در طراحی این رشته‌ها نیز انعطاف لازم را در نظر گرفت، به گونه‌ای که دانش‌آموزان

بتوانند تعدادی دروس از مسیرهای تخصصی دیگر نظری یا فنی و حرفه‌ای را بردارند و به این ترتیب از ساخت و پرداخت ویژه خود باز نمانند. این کار با پیش‌بینی درس‌های اختیاری یا غیراختیاری یا غیرتجویزی امکان‌پذیر می‌شود.

● برای تحقق این موارد، ساختار پیشنهادی سه وجهی برنامه درسی چارچوب مناسبی است و دست برنامه‌ریزان را به خوبی باز می‌گذارد. بخش عظیمی از برنامه درسی دوره دوم متوسطه (شاید تا ۹۰ درصد) را می‌توان به دروس نیمه تجویزی (انتخابی) و غیرتجویزی (اختیاری) اختصاص داد. درس‌های تجویزی یا الزامی سهم عمده‌ای از برنامه درسی دوره‌های ماقبل را به خود اختصاص می‌دهند.

● در این ساختار تعقیب علائق ویژه منحصرراً در دوره دوم دبیرستان اتفاق نمی‌افتد. درس‌های نیمه تجویزی و غیرتجویزی این اجازه را می‌دهد که جهت‌گیری تحصیلی دانش‌آموز در سایه علائق و استعدادهایش از دوره‌های ماقبل (خصوصاً دوره اول دبیرستان) شروع به شکل‌گیری نماید و در دوره دوم متوسطه دوام یابد. این قاعده درباره علائق فنی و حرفه‌ای هم صادق است و برای کسانی که دغدغه کم‌مهری به این علائق را دارند باید اطمینان‌بخش و دل‌گرم‌کننده باشد. در ساخت‌ها شش‌گانه تربیتی می‌توان درس‌های نیمه تجویزی تعریف کرد که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد علائق فنی و حرفه‌ای خود را جامه عمل بپوشانند (مثلاً علوم تجربی متناسب با این علائق). بخش غیرتجویزی را هم این دسته دانش‌آموزان می‌توانند به سمت تعریف فعالیت‌های متناسب با علائق فنی و حرفه‌ای سوق دهند.

● در میان ساخت‌های شش‌گانه تربیت رسمی و عمومی ساحت تربیت «حرفه‌ای و اقتصادی» هم هست که هم به عنوان یک حوزه یادگیری تجویزی یا الزامی و عمومی حائز اهمیت است (حداقلی از صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها را به عموم دانش‌آموزان تکلیف می‌کند که در حال حاضر نیست و باید مورد استقبال اصحاب فنی و حرفه‌ای قرار گیرد) و هم از این جهت که می‌تواند در قالب نیمه‌تجویزی به دانش‌آموزان حق انتخاب از میان شایستگی‌های حرفه‌ای و اقتصادی مختلف را بدهد (در چارچوب اهدافی که برای این ساحت پیش‌بینی شده) باید برای اصحاب فنی و حرفه‌ای موجبات دل‌گرمی بیشتری فراهم سازد.

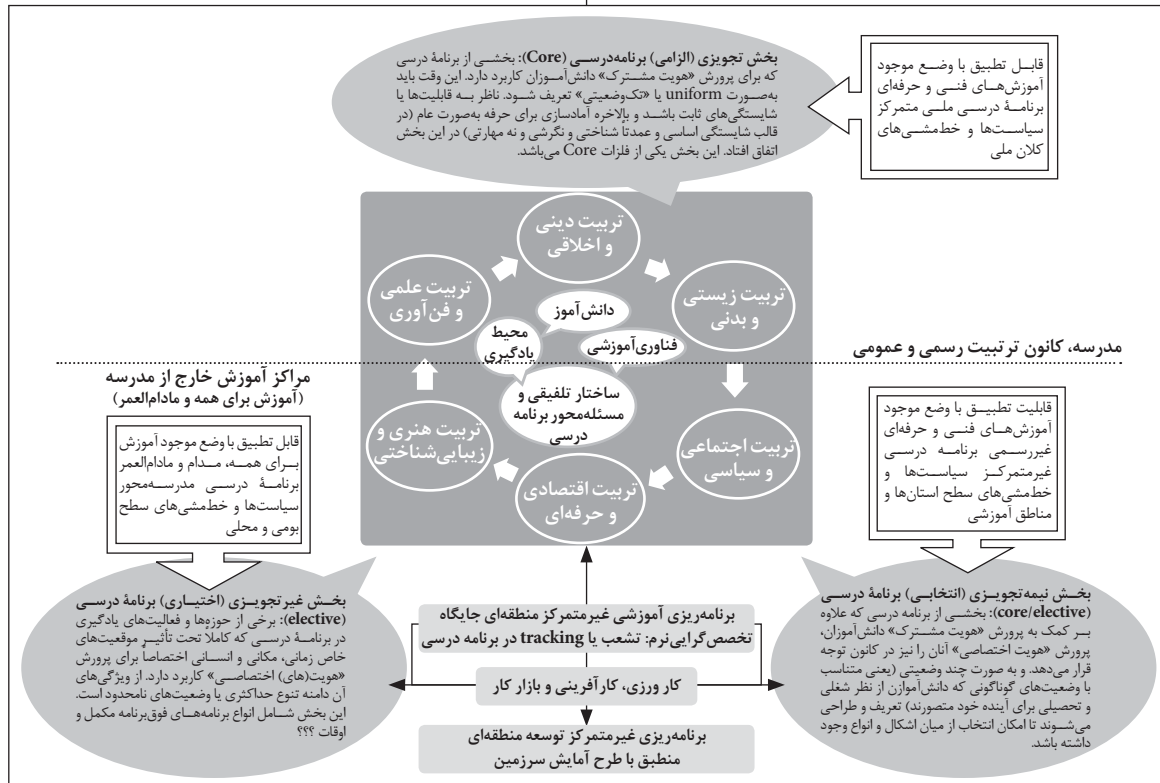
نتیجه‌گیری

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در آموزش و پرورش اصالت ندارد اما موضوعیت دارد. از این جهت اصالت ندارد که این سطح از آموزش (شامل متوسطه) نباید پاسخ‌گوی این بخش از نیازهای جامعه باشد. موضوعیت از آن حیث دارد که علائق فنی و حرفه‌ای بخش انکارناپذیری از علائق متربیبان است و تعلیم و تربیت حقیقی نمی‌تواند نسبت به آن‌ها پاسخ‌گو نباشد (مهرمحمدی، ارتباط شخصی، ۹۰/۲/۱۲).

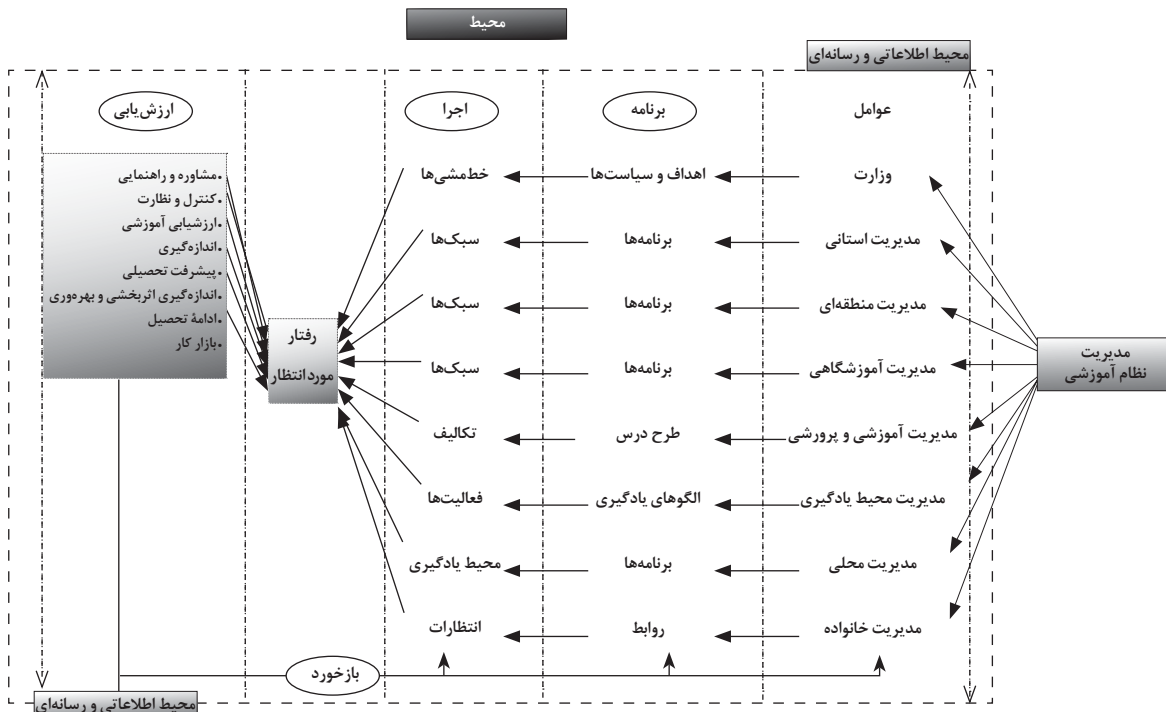
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هم‌اکنون آموزش‌های مهارتی (فنی و حرفه‌ای) در ایران به سه صورت در حال اجراست:

۱. آموزش‌های دانش‌محور که توسط آموزش و پرورش و آموزش عالی در قالب هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، دبیرستان‌های کاردانش، مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی و دانشگاه‌ها و



شکل ۲. نقشه شناختی جایگاه رویکرد تخصص‌گرایی نرم در نظام تربیت رسمی و عمومی



شکل ۳. حامل‌های تغییر در الگوی توسعه نظام تربیت رسمی و عمومی

دانشکده‌های فنی ارائه می‌شود که در قبال این آموزش‌ها مدرک تحصیلی به افراد اعطا می‌شود و ارزش استخدامی و ادامه تحصیل تا سطوح بالای علمی را نیز دارد. بخش قابل توجهی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شامل این نوع آموزش‌ها می‌شود.

۲. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مهارت-محور که توسط یا با نظارت سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور انجام و هدایت می‌گردد و در جست‌وجوهای بعدی بیش از ده‌ها دستگاه اجرایی، سازمان، نهاد و ارگان دولتی و غیردولتی آموزش داده می‌شود.

۳. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای سازمان نایافته، که به صورت استاد شاگردی و پراکنده در حوزه‌های وسیع شغلی در صنعت و صنوف مختلف در جریان است و به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بنگاه-محور مشهورند.

آموزش فنی و حرفه‌ای عام: منظور نوعی از آموزش فنی و حرفه‌ای است که در آن، براساس رویکرد تخصص‌گرایی نرم، دانش‌آموزان می‌توانند شایستگی‌های لازم را برای ورود به یک حرفه (و نه یک شغل تخصصی) در دوره متوسطه کسب نمایند

به‌رغم این‌که آموزش‌های سه‌گانه فنی و حرفه‌ای به صورت جزایر جداگانه‌ای فعالیت می‌کنند و در حال حاضر هیچ نظام ملی برای ارتباط و ارزش‌یابی مدارک دانش-بنیاد با گواهی‌نامه حرفه‌ای و صلاحیت تخصصی بدون مدرک و گواهی‌نامه در کشور وجود ندارد و به عبارت بهتر «نظام صلاحیت حرفه‌ای ملی» که در اغلب کشورهای پیشرو و نیز در کشورهای اروپایی مبنای ارتقای کیفیت این آموزش‌هاست، هنوز دارای چارچوب ملی و تصویب شده نیست. اما برخلاف عقاید رایج بر ۱. حفظ و تطبیق وضع موجود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با محتوای سند تحول راهبردی یا ۲. دخالت سازمان ملی مهارت در کار تخصصی اجراکنندگان برنامه‌های آموزشی با هدف یک‌پارچگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی و غیررسمی، ۳. رویکرد تخصص‌گرایی نرم پیش‌سنادی طراحان سند تحول راهبردی... باید بین نقش‌های متفاوت و سه‌گانه کارفرمایان، سازمان ملی مهارت و اجراکنندگان برنامه‌های آموزشی تفکیک قائل شد. **در نتیجه:**

الف) به ایفای نقش مستقل کارفرمایان، سازمان ملی مهارت و اجراکنندگان برنامه‌های آموزشی در ساماندهی کیفی، محتوایی، اجرایی تأکید می‌شود.

ب) به ضرورت ایجاد نظام ملی مهارت حرفه‌ای و وجود یک «نظام صلاحیت ملی حرفه‌ای» با هدف حفظ کیفیت از مجرای مهارت‌های استاندارد ملی باید صحنه گذاشت و

ج) باید از طریق مراجعه به محتوای اسناد راهبردی که ظاهراً برای سهولت در تحقق اهداف چشم‌انداز نظام با دقت، زحمت،

صرف وقت و هزینه‌های فراوان در درون دستگاه‌های اجرایی تولید و مصوب شده‌اند و با وضع قوانین و مقررات جامع روابط بین سازمانی و روابط بین کارفرمایان، سازمان ملی مهارت و اجراکنندگان برنامه‌های آموزشی و ذی‌نفعان را در رسیدن به اهداف چشم‌انداز بیست ساله نظام از طریق برنامه‌های پنج ساله توسعه تسهیل نمود.

از این رو توصیه‌های زیر باید با رویکرد راهبردی ارزیابی و مورد توجه و نقد و بررسی قرار گیرد:

● تربیت اسلامی برای حیات طیبه در اولویت نخست قرار می‌گیرد،

● مدرسه به عنوان «کانون اصلی تربیت در دوره رسمی و عمومی» باید مورد توجه قرار گیرد و سپس با نظارت اولیای خانه و مدرسه، دانش‌آموزان را از خدمات گسترده و متنوع مراکز آموزش خارج از مدرسه بهره‌مند ساخت.

● برنامه‌ریزی آموزشی باید در چارچوب برنامه توسعه پنج‌ساله استان‌ها طراحی و با حمایت یا مشارکت مدیریت واحد شهری و روستایی در خدمت برنامه‌های توسعه بومی و بازار کار محلی باشند.

● سازمان‌ها، کارفرمایان و اجراکنندگان برنامه‌های آموزشی باید در قالب برنامه‌های توسعه استانی و آمایش سرزمین در زمینه مشاغل، مهارت‌ها و شایستگی‌های موجود و در نظر گرفتن توسعه آینده و استاندارد کردن آن‌ها مشارکت نمایند.

● برنامه‌ریزی آموزشی توسط مراکز ارائه‌دهنده آموزش فنی و حرفه‌ای ارائه می‌گردد.

● ضمن این‌که این برنامه‌ها باید تابع استانداردهای پذیرفته شده سطح ملی باشد و

● توسط یک نهاد بیرونی (سازمان ملی مهارت یا شرکت‌های صاحب صلاحیت) مورد ارزیابی قرار گیرد و به صدور گواهی‌نامه‌های معتبر صلاحیت حرفه‌ای برای دانش‌آموختگان منجر شود

● باید از ظرفیت بالقوه مراکز آموزشی برای توسعه نیازهای محلی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استفاده شود.

● کارفرمایان باید در ایجاد رشته‌ها، مهارت‌ها، صلاحیت‌ها، استانداردهای آموزشی و فراهم کردن امکان کارآموزی و کارورزی و با تقبل بخشی از هزینه‌های آموزش، اعطای بورسیه و جذب دانش‌آموختگان در اجرای برنامه‌های فنی و حرفه‌ای و تحقیق و توسعه آموزشی مشارکت نمایند.

● همچنین قوانین و مقررات اشتغال باید برای جذب افراد واجد شرایط و دارندگان مدارک معتبر فنی و حرفه‌ای و امکان ادامه تحصیل ضمن کار شاغلین مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

● سازمان ملی مهارت، باید طرحی را به اجرا درآورد تا مهارت‌های لازم را برای مشاغل حال و آینده در بخش‌های متشکل و غیرمتشکل اقتصادی، به تفکیک استان‌ها و مناطق آموزشی کشور، شناسایی و در حد امکان استاندارد کند.

● سازمان ملی مهارت باید نظامی برای ارزیابی و شبکه‌ای برای ارائه اطلاعات شغلی مبتنی بر مهارت‌ها و شایستگی‌ها به‌وجود آورد.

رهیافت برنامه‌ریزی استراتژیک برای استان‌ها، مناطق و مدارس پیشرو				
۱	تعیین سطح برنامه‌ریزی (دورنگری)	فراسوی کلان	کلان	خرد
۲	گردآوری داده‌ها	شناسایی باورها و ارزش‌ها	شناسایی پندارها	شناسایی مأموریت‌های جاری
		بررسی درون‌سازمانی	تعیین نیازها	بررسی برون‌سازمانی
۳	برنامه‌ریزی	تعیین هم‌سوایی‌ها و ناهم‌سوایی‌ها		
		کاهش یا رفع هم‌سوایی‌ها		
		تعیین و انتخاب آینده مطلوب		
		تعیین مأموریت‌ها		
		تعیین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها		
		سیاست‌گذاری و تعیین دستورالعمل برای تصمیمات اتخاذ شده		
۴	اجرا و ارزیابی	تهیه برنامه‌های عملیاتی استراتژیک		
		طراحی پاسخ		
		اجرای مدیریت استراتژیک	اجرای ارزیابی تکوینی	
		اجرای ارزیابی پایانی (ارزیابی استراتژیک- تاکتیکی)		
		ادامه یا تجدید نظر		
۵	بازخورد			

(کافمن، هرمن، ترجمه: مشایخ، بازگان، ۱۳۸۲، ص ۶۷) [۳]

بلا تکلیفی و روزمرگی بدهد. بنابراین با طرح همزمان مسئله در سطح جامعه، سازمان‌ها و گروه‌های متشکل علمی و فرهنگی و رسانه‌های ارتباط جمعی می‌توان این «تهدید انتظار و انفعال» را به فرصت «مساعده کردن جو سازمان‌ها» و آمادگی جامعه برای شناخت و پذیرش تغییرات مورد نظر مبدل نمود.

● اجراکنندگان برنامه‌های آموزشی باید طرحی را به اجرا درآورند که سیستم برنامه‌ریزی آموزشی متکی بر مشاغل به سیستم مبتنی بر مهارت تغییر یابد.

● دستگاه‌های اجرایی مجری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید طرحی اجرا کند که اجراکنندگان برنامه‌های آموزشی مستقیماً به برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی اقدام نمایند.

● از همه مهم‌تر، سازمان ملی مهارت باید استانداردهایی برای اعتباربخشی مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای فعلی ایجاد کند و تعیین صلاحیت‌های حرفه‌ای و اعطای گواهی‌نامه مهارت به کارگزاران و معلمان فنی پیش از هر شغل دیگری در اولویت به اجرا گذارد. سپس دانش‌آموختگان فنی و حرفه‌ای را در اولویت بعدی مورد توجه قرار دهد.

برخورد سلبی با ایجابی با محتوا و پیشنهادها مندرج در سند تحول راهبردی راه‌گشا نیست، زیرا این پیشنهادها محصول یک تفکر جمعی، علمی و راهبردی است و برای نقد و بررسی پذیرش یا رد آن هم باید از همین رویه استفاده شود.

مدیران، کارشناسان استان‌ها، مناطق آموزشی و مدیران، کارکنان و معلمان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای آمادگی با چنین تغییرات احتمالی در آینده با این نوع تحولات به صورت جمعی، یک‌پارچه، منسجم و مداوم با تفکری آینده‌نگر برخورد کنند.

جای جدول

پیچیدگی کارهای «مطالعاتی-تصمیم‌سازی» و حساسیت امر «تصمیم‌گیری-سیاست‌گذاری» اغلب باعث توقف بیش از اندازه مصوبات در نهادهای قانون‌گذار می‌شود که ممکن است در دستگاه‌های اجرایی «فرصت‌های تغییر» جای خود را به بی‌تفاوتی،

پی‌نوشت

1. Cognitive Map
2. Soft Computing Methodologies
3. Knowledge Map

منابع

۱. سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز (سند مشهود مقدس) مصوب هشتصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۸۹/۵/۲.
۲. منیعی رضا، لوکس کارو، فراس‌خواه مقصود، بررسی رابطه فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه علمی با استفاده از نقشه شناختی فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۳۸۸؛ ۱۵ (۱): ۷۳-۹۷.
۳. کافمن، راجر؛ هرمن، جری، (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی استراتژیک در نظام آموزشی؛ بازاندیشی، بازسازی، ساختارها، بازآفرینی، ترجمه فریده مشایخ و عباس بازگان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه، چاپ دوم.